

گام به گام با آیین دادرسی کیفری بخش اول

۱. اگر در موضوع خاصی، حکمی در قانون آیین دادرسی کیفری وجود نداشته باشد، قاضی کیفری می تواند به قانون آیین دادرسی مدنی استناد نماید. تنها شرط این استناد این است که ماده مورد استناد در آیین دادرسی مدنی با مواد قانون آیین دادرسی کیفری تعارضی نداشته باشد و حقی را از متهم یا شاکی ضایع نکند
۲. دو ویژگی قوانین شکلی: ۱. تفسیر موسع ۲. اجرای فوری (عطف به ماسبق شدن)
۳. باید از تفسیر موسع مواد محدودکننده حقوق و آزادی های فردی مانند موارد صدور قرار بازداشت یا توقیف اموال متهم خودداری شود
۴. تاریخ ارتکاب جرم: در قوانین ماهوی تاریخ ارتکاب جرم تعیین کننده قانون حاکم بر آن است یعنی عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری ماهوی / اما در قوانین شکلی تاریخ ارتکاب جرم تعیین کننده قانون حاکم بر آن نیست یعنی عطف به ما سبق شدن قوانین کیفری شکلی

توضیح نکته بالا:

اگر در جریان رسیدگی به یک جرم قانون شکلی تغییر کند نحوه ادامه رسیدگی بر طبق قانون جدید می باشد ولی اگر در جریان رسیدگی قانون ماهوی تغییر کند ادامه رسیدگی بر طبق قانون قبلی یعنی قانون زمان وقوع جرم می باشد.

۵. مواردی که درباره تعقیب کیفری باید بررسی شود: مقام تعقیب/ شروع تعقیب/ موانع تعقیب/ موارد سقوط تعقیب/
۶. وظایف دادستان حفظ حقوق عامه به وسیله تعقیب متهم و نظارت بر حسن اجرای قوانین است.
۷. وظایف دادسرا منحصر به امور کیفری نیست و در امور حقوقی نیز وظایفی بر عهده دارد. برخی از وظایف در مواد ۱۰۱۲ و ۱۲۲۲ قانون مدنی ذکر شده اند که عبارتند از: نصب قیم و تعیین امین برای غایب مفقودالثر
۸. ویژگی های دادسرا که باید بررسی شود: سلسله مراتب/ وحدت دادسرا/ استقلال دادسرا/ قابل رد بودن قاضی دادسرا /عدم مسئولیت/
۹. سلسله مراتب در دادسرا: دادستان « معاون دادستان » دادیار
۱۰. دادستان در رأس دادسرا قرار دارد و معاونین و دادیاران از دستورات اداری و حتی نظرات قضایی او تبعیت می کند.
۱۱. دادیار علاوه بر تبعیت از نظر دادستان موظف به رعایت نظر معاون ذی ربط دادستان نیز هست.
۱۲. بازپرس باینکه از قضات دادسرا می باشد ولی تابع سلسله مراتب نیست و فقط در برخی موارد استثنایی موظف به تبعیت از دادستان است
۱۳. سلسله مراتب تنها در میان قضات حوزه یک دادسرا وجود دارد لذا دادیار دادسرای حوزه قضایی در شهرستان الف از نظر دادستان حوزه قضایی شهرستان ب تبعیت نمی کند
۱۴. اختلاف دادستان و بازپرس: طبق ماده ۲۶۹ در هر مورد که دادستان با عقیده بازپرس مخالف باشد و بازپرس بر عقیده خود اصرار کند پرونده برای حل اختلاف به دادگاه صالح ارسال و طبق تصمیم دادگاه عمل می شود
۱۵. وحدت دادسرا: دادستان، معاونین وی و دادیارها مانند اموال مثلی هستند یعنی هر کدام می توانند وظایف دیگری را انجام دهند به عنوان مثال دادستان خود می تواند تحقیقات مقدماتی را انجام دهد البته در غیر جرائم ماده ۳۰۲ یا تحقیقات

- مقدماتی را به معاون یا یکی از دادیارها بدهد ولی در دادگاه این گونه نیست و هیچ دادرسی حق انجام دادن وظایف دادرسی دیگر را ندارد
۱۶. استقلال دادسرا: دادرسی یک اداره مستقل است. این استقلال در مقابل دادگاه نیز وجود دارد یعنی اگر دادگاه از وقوع جرم مطلع شود فقط می تواند آن را به دادسرا اعلام کنند و حق ندارد شروع به تعقیب کیفری را از دادسرا را بخواهد. استقلال دادسرا در مقابل متهم این گونه است که دادسرا می تواند در حدود قانون هر تحقیقی را که لازم باشد انجام دهد و هر قرار تأمین که ضروری بداند برای متهم صادر کند حتی اگر متهم چنین تأمینی را مناسب ندارد البته در قرار بازداشت موقت متهم می تواند به این قرار اعتراض کند. استقلال دادسرا در مقابل شاکی به این معنا است که در برخی موارد دادسرا می تواند بدون تقاضای شاکی، تعقیب کیفری متهم را به جریان اندازد یا اینکه در صورت گذشت شاکی به گذشت او ترتیب اثر ندهد و تعقیب را همچنان ادامه دهد
۱۷. قابل رد شدن قضات دادسرا: در ماده ۴۲۱ موارد رد دادرسی ذکر شده است یعنی دادرسی حق رسیدگی به پرونده خاصی را ندارد مثلاً یکی از طرفین پرونده از اقوام نسبی دادرسی باشد. در این صورت طرف مقابل درخواست رد دادرسی می کند و پرونده به دادرسی دیگری داده می شود. در مورد قضات دادسرا نیز همین گونه است و طرفین حق رد دادستان یا بازپرس را دارند ماده ۴۲۴
۱۸. عدم مسئولیت دادسرا: یعنی در صورت برائت متهم از انتساب اتهام به او، دادسرا را نمی توان به جبران خسارت متهم تکلیف کرد. البته این عدم مسئولیت دادسرا منافاتی با جبران خسارت وارد به متهمان بی گناه ندارد لذا اگر کسی بعد از اینکه مدتی در بازداشت موقت بود بی گناهی او ثابت شود، خسارت وارده به او از سوی دولت جبران می گردد ماده ۲۵۵
۱۹. انواع دادسرا:

- دادسرای دیوان عالی کشور: انجام اموری که به موجب قانون بر عهده دادستان کل کشور قرار گرفته است. مرکز این دادسرا در تهران است و در قم و مشهد شعبه دارد
- دادسرای عمومی و انقلاب: وظیفه آن کشف جرم تعقیب متهم تحقیقات مقدماتی و اجرای احکام است. هر شهرستانی دارای این دادسرا می باشد
- دادسرای نظامی: به منظور رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح. این دادسرا در مرکز استانها وجود دارد. در صورت نیاز در شهرستان، تحت عنوان دادسرای نظامی ناحیه تشکیل می شود. ماده ۵۷۸
- دادسرای ویژه روحانیت: به عمل تغییر و تحقیق در جرائم مربوط به صلاحیت این دادگاه می پردازد. در ۱۱ شهر معین وجود دارد. در این دادسرا بازپرس وجود ندارد.

۲۰. وظایف و اختیارات دادستان کل کشور مواد ۲۸۸ تا ۲۹۳ ماده ۴۲۰ - ۴۷۱ بند پ ۴۷۵
۲۱. وظایف و اختیارات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی دادسرای نظامی همان وظایف و اختیاراتی است که برای دادستان عمومی و انقلاب و مقامات قضایی این دادسرا مقرر شده است
۲۲. مهم ترین وظیفه دادسرا تعقیب جرائم می باشد. دادسرا نمی تواند به میل خود از تعقیب جرم انصراف دهد و آن را پیگیری نکند چون دادسرا این امر را به نمایندگی از جامعه انجام می دهد و خود ذینفع و اصیل نیست لذا چنین حقی ندارد بنابراین بعد از اطلاع از وقوع جرم موظف است تعقیب کیفری را به جریان اندازد و نمی تواند آن را نادیده بگیرد

۲۳. اصول دادسرا:

اصل قانونی بودن تعقیب: به آن اصل الزامی بودن تعقیب نیز می‌گویند یعنی دادسرا موظف به تعقیب متهم است نه مخیر

اصل مناسب بودن تعقیب: به این معناست که دادستان باید مجاز باشد در مواردی که تحقق کیفری متهم به مصلحت جامعه نیست تحت شرایط پیش‌بینی شده در قانون از تعقیب صرف‌نظر کرده و پرونده را به دادگاه ارسال نکند

۲۴. در مواردی که تعقیب متهم به مصلحت جامعه نیست قانون‌گذار جایگزین‌های تعقیب را برای او در نظر گرفته است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

الف: قرار بایگانی پرونده ماده ۸۰ آیین دادرسی کیفری

ب: قرار تعلیق تعقیب ماده ۸۱

۲۶. دادسرا برای انجام وظیفه خود از هر طریقی از وقوع جرم مطلع شود باید تعقیب کیفری را به جریان بیندازد

۲۷. مهم‌ترین طرق به اطلاع دادسرا از وقوع جرم که به آن‌ها جهات قانونی شروع به تعقیب گفته می‌شود در ماده ۶۴ ذکر شده:

شکایت شاکی یا مدعی خصوصی / اعلام و اخبار ضابطین دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن / وقوع جرم مشهود در مقابل دادستان یا بازپرس / اظهار و اقرار متهم / اطلاع دادستان از وقوع جرم به طریق قانونی دیگر /

۲۷. مهم‌ترین و قوی‌ترین وسیله برای پی بردن وقوع جرم اقرار مرتکب جرم می‌باشد

۲۸. در جرائمی که تعقیب متهم منوط به شکایت شاکی خصوصی می‌باشد اقرار متهم به‌تنهایی کافی نیست و دادستان تا زمان شکایت شاکی می‌تواند دستورات لازم را برای حفظ آثار جرم به ضابطان دادگستری بدهد و منتظر اعلام شکایت شاکی شود

۲۹. تعریف شاکی:

کسی که جر مستقیماً علیه او واقع شده است مانند مالک مال در سرقت.

قائم‌مقام کسی که جر مستقیماً علیه واقع شده است:

ورثه در جرم قتل

ولی قهری در جرم ارتكابی علیه فرزندش

۳۰. به شخصی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است:

اگر تعقیب مرتکب را درخواست کند شاکی نامیده می‌شود

اگر جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند مدعی خصوصی نامیده می‌شود

۳۱. ضرر و زیان وارده بر بزه دیده اعم از مادی و معنوی می‌باشد ولی باید مستقیم باشد لذا در مثل جرائم منافی عفت خانواده شخصی که عمل منافی عفت بر روی صورت گرفته است نمی‌توانند از مرتکب شکایت کنند چون بزه دیده مستقیم محسوب نمی‌شوند مگر اینکه بزه‌دیده محجور یا زیر ۱۸ سال باشد که در این صورت تنها ولی یا سرپرست قانونی او می‌تواند شکایت کند. تبصره ۳ ماده ۱۰۲
۳۲. خانواده بزه دیده در جرائم منافی عفت نمی‌توانند به خاطر اعاده حیثیت خانوادگی از مرتکب جرم شکایت کنند، چون بزه‌دیده مستقیم نیستند
۳۳. در جرائمی که جنبه خصوصی آن‌ها مهم‌تر از جنبه عمومی است دادستان تا قبل از شکایت شاکی نمی‌تواند تعقیب کیفری را به جریان بیندازد مانند جرم توهین ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵
۳۴. شکایت هم می‌تواند شفاهی باشد و هم کتبی برخلاف دعاوی حقوقی که حتماً باید کتبی و با فرم‌های مخصوص دادخواست باشد
۳۵. نکاتی که در شکایت باید ذکر شود را قانون‌گذار در ماده ۶۸ آیین دادرسی کیفری ذکر کرده است
۳۶. اگر شکایت شفاهی باشد در صورت مجلس قید می‌شود و به امضا یا اثرانگشت شاکی می‌رسد ماده ۶۹ آدک
۳۷. ضابطان دادگستری هم باید شکایت کتبی و شکایت شفاهی را همه‌وقت قبول کنند ولی اکنون کلانتری‌ها در جرائم غیرمشهود شکایت شاکی را قبول نمی‌کنند و او را برای تقدیم شکایت دادرسی می‌فرستند تا پس از دریافت دستور مقام قضایی اقدام نمایند
۳۸. اثرانگشت در صورتی معتبر است که شخص قادر به امضا نباشد
۳۹. اگر شاکی به‌هیچ‌وجه اطلاعی از متهم نداشته باشد و اصلاً نداند چه کسی جرم را مرتکب شده است و به هیچ‌کسی هم مظنون نباشد مانند سرقت در شب در این صورت دادستان مکلف است تعقیب کیفری را برای شناسایی مرتکب و جمع‌آوری اطلاعات اتهام آغاز کند
۴۰. اگر شاکی از شکایت خود صرف‌نظر کند ولی جرم از جرائم غیرقابل گذشت باشد دادستان باید تعقیب کیفری را ادامه دهد
۴۱. اقسام جرم: مشهود و غیرمشهود / ملاک این تقسیم‌بندی مدت فاصله زمانی میان وقوع جرم و کشف آن است
۴۲. در ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری اقسام جرم مشهود در هفت بند ذکر شده است
۴۳. تنها موردی که حقیقتاً جرم مشهود و از جهات قانونی شروع به تعقیب می‌باشد بند الف ماده ۴۵ می‌باشد یعنی بازپرس و دادستان وقوع جرم را مشاهده نمایند
۴۴. در صورتی مورد بالا از جهات قانونی شروع به تعقیب است که دادستان بازپرس در حین انجام وظیفه باشد یعنی در دادرسی یا هنگام حضور در صحنه وقوع جرم دیگر. لذا اگر مثلاً هنگام مرخصی تعطیلات آخر هفته باشند و جرمی را ببینند شامل این مورد نمی‌شود